ديدار جمعي از خانواده‌هاي معظم شهدا، جانبازان، آزادگان و گروهي از مردم غيور كشور - 2 /آبان/ 1369

بسم‌الله‌الرحمن‌الرحيم
در ابتدا لازم است به برادران عزيزي كه از شهرهاي مختلف تشريف آورده‌اند، مخصوصا آزادگان عزيز كه قدمشان براي ملت ايران مبارك است و ان‌شاءالله مبارك خواهد بود، و همچنين خانواده‌هاي معظم شهدا و جانبازان عزيز، خيرمقدم عرض كنم و تشكر نمايم.
عطر جهاد و شهادت، در اين فضا پراكنده است. آزادگان، كساني هستند كه افتخار سالهاي پربركت و پراجر دوران زندگي جواني خودشان را همراه دارند و ياد روزها و ساعتها و لحظه‌هاي دشوار و پرخاطره‌يي را براي ما زنده مي‌كنند. هر ساعتي كه شما گذرانديد، پيش خدا محفوظ است. آن شبهاي طولاني و پررنج، آن روزهاي پرهراس و دشوار، آن سختيها و فشارها، آن مرعوبيتها، آن گرسنگي و سرما و گرما، آن دوري و غربت و جفا كشيدن از نااهلان و ايستادگي در مقابل خواست دشمنان خدا و همه‌ي اين ساعتها و لحظه‌ها و رنجها، در ديوان الهي محفوظ است.
خيال نكنيد كه اينها از بين رفت. همه‌ي اينها، مثل يك نوار صوت و تصوير مانده است. يك لحظه‌ي از اين لحظات، از بين نرفته و پيش خدا موجود است. شما جانبازان عزيز هم همين‌طور؛ شبهاي سختيتان، رنج ميدان جنگتان، سختي بيمارستان و بسترتان، دردهايتان، رنجهاي ناشناخته‌تان. و شما خانواده‌هاي شهيدان، صبرتان، داغ سوزنده و درعين‌حال شيرينتان، فراق عزيزانتان، فقدان ميوه‌ي دلتان، چون براي خداست، همه و همه محفوظ است.
در نظام و حيات طيبه‌ي اسلامي، هر حركتي كه مؤمن انجام مي‌دهد، بايد با همين فكر باشد كه اين حركت و اين گفتار، پيش خدا محفوظ است و به سراغ ما خواهد آمد. هيچ‌كدام از اين گفته‌ها و كرده‌ها و حرفها و سكوتها و حركتها و سكونها و رفتن و نرفتنها و فداكاري كردن و فداكاري نكردنها و هواي نفس را زير پا گذاشتن و زير پا نگذاشتنها، فاني و زايل نشده، بلكه همه موجود است. روز قيامت، وقتي اين صفحه‌ي اعمال را باز مي‌كنند و انسان نوار را در مقابل خود مي‌بيند و مشاهده مي‌كند كه همه چيز در او هست، آن‌وقت كسي كه در دنيا اين حقيقت را نفهميده، به آن ايمان نياورده و از آن غفلت ورزيده است، تعجب مي‌كند و مي‌گويد: "ما لهذا الكتاب لايغادر صغيره و لا كبيره الا احصيها". عجب پرونده‌يي است! عجب نوار زنده‌يي است! كوچك و بزرگي را فرو نگذاشته، مگر اين‌كه آن را احصا كرده است.
ما بايد در تمام حركات و اعمال خود، اين حقيقت و اين درس بزرگ اسلام و درس بزرگ معلم عزيز ما در اين دوران ـ يعني امام بزرگوار كه خود عامل به اسلام بود و اسلام فقط در زبان و حنجره‌ي او نبود، بلكه از اعماق وجود او مي‌تراويد ـ در يادمان باشد كه در كارهايمان، نيت خير، نيت الهي و قصد خالص داشته باشيم. اگر خود او اين نيت خالص را نمي‌داشت، انقلاب به اين‌جا نمي‌رسيد. و اگر اين امت مسلمان و مؤمن و خداجوي و امام‌دوست و مريد آن رهبر عظيم‌الشأن و عالي‌مقام و شايسته، در كارهايشان قصد خدا نمي‌داشتند و نيتهاي دنياطلبانه و هواهاي نفساني و اغراض فردي و گروهي و غيره، بر اعمال و رفتارشان حاكم مي‌بود، اين انقلاب به اين‌جا نمي‌رسيد. آنچه انقلاب را به اين‌جا رساند، همان ايمانهاي پاك و خالص و نيتهاي صادق و روحهاي سرشار از اخلاص و صفا بود. از حالا به بعد هم همين‌طور است.
ما از روز اول انقلاب تا حالا، مراحل بسياري از اين راه دشوار را پيموده‌ايم. اگر كسي انكار كند، يا چشم ندارد و يا وجدان. اگر كسي تصور كند كه انقلاب اسلامي و جمهوري اسلامي، در اهداف خود توفيق پيدا نكرده، يا از لحاظ آگاهي كور است، يا از لحاظ قلب و وجدان و انصاف. ما خيلي پيش رفتيم. امروز در زير اين آسمان، هيچ دولت و ملتي را شما نمي‌توانيد پيدا كنيد كه از لحاظ ارزش بخشيدن به ارزشهاي انساني ـ آن چيزي كه براي انسانها در درجه‌ي اول اهميت قرار دارد ـ يعني آزادگي، سربلندي، استقلال، اسير نبودن، ذليل نبودن، توسري‌خور قدرتها و دولتها نبودن، به اشاره‌ي اين و آن حركت نكردن، طبق مصلحت و اراده‌ي خود راه رفتن، احساس مسؤوليت داشتن و حركت و آگاهي و قدرت داشتن آحاد آن، مثل ملت و دولت ايران و جمهوري اسلامي باشد. اين، يك چشمه از

پيروزيهاي جمهوري اسلامي است و البته باز هم پيروزيهاي زيادي وجود دارد.
آن‌قدري كه در ده، دوازده سال گذشته در اين كشور، خدمت به محرومان و قشرهاي مظلوم انجام گرفته، به روستاها، به روستاييها، به بخشهاي دوردست كشور، به كارهاي بي‌زرق و برق اما پرفايده، با وجود جنگ، با وجود محاصره‌ي اقتصادي، چند برابر آن حجم و تعدادي است كه در طول سالهاي متمادي حكومت گذشتگان انجام گرفته است. ما خيلي پيش رفتيم; اما بدانيد كه هنوز كارهاي زيادي در پيش داريم و مسايل زيادي پيش رويمان است. اين ملت، براي به دست آوردن پيروزيهاي بعدي، بايد همان عواملي را كه تا اين‌جا او را پيروز كرده و پيش آورده، با كمال قدرت حفظ كند. هنوز ما خيلي كار داريم.
يك مطلب را امروز در نظر گرفته‌ام كه به شما عرض كنم. اين مطلب، جزو مسايل ملت و نظام جمهوري اسلامي است و آن، مسأله‌ي بيت‌المقدس شريف و ملت مظلوم فلسطين است. مگر ما مي‌توانيم از اين مسأله غافل بشويم، يا آن را به دست فراموشي بسپاريم؟ خصوصيت نظام اسلامي همين است كه تصميم‌گيري آن، بر اساس عقيده و تكليف الهي است. هيچ‌كدام از فقهاي اسلام، ترديد و اختلافي ندارند كه آن وقتي كه دشمن بر سرزمين مسلمانان مسلط شد و كيان اسلامي را در كشوري تهديد كرد، وظيفه‌ي همه‌ي آحاد مسلمين است كه در يك جهاد بزرگ و همه‌گير، با آن دشمن مبارزه كنند، او را از آن سرزمين اسلامي اخراج كنند و مجازات و تنبيه نمايند. آيا صهيونيسم خبيث خطرناك جنايتكار و دشمن اسلام و مسلمين، متجاوز است يا نيست؟ آيا سرزمين فلسطين، خانه و قبله‌ي مسلمين است يا نيست؟
امروز، چهل‌واندي سال است كه خبيثترين دشمنان اسلام و انسانيت ـ يعني همين صهيونيستهاي غدار و مكار ـ بر بخشي از وجود ما، بر بخشي از خانه و سرزمين ما تسلط پيدا كرده‌اند. وظيفه‌ي ما چيست؟ وظيفه‌ي مسلمانان چيست؟ وظيفه‌ي ملتهاي ديگر اسلامي در قبال فلسطين چيست؟ آيا وظيفه سكوت است؟! اف برآن سران كشورهاي وابسته و خائن كه براي خاطر دو روز بيشتر حكومت كردن و جلب محبت امريكا و قدرتهاي بزرگ، از وظيفه‌يي با اين عظمت، صرف نظر مي‌كنند. ملت اسلام بايد بيدار باشد و اين وظيفه را فراموش نكند.
دشمن خدا، از غفلت مسلمين سوء استفاده كرد; والا چندصدهزار صهيونيست در اول كار، بعد هم تا امروز يكي، دو ميليون با همه‌ي آن حواشي‌يي كه از اطراف دنيا فراهم كردند، مگر چه‌قدر قدرت دارند؟ اگر سران كشورهاي اسلامي بهوش بودند، اگر ملتهاي اسلامي بيدار بودند، مگر كمكهاي امريكا در آن صورت مي‌توانست اسرائيل را نجات بدهد؟ ابدا. مسلمانان غافل مي‌مانند كه دشمن مي‌تواند اظهار وجود بكند. دشمن چندان قوي نيست; ما از قوت خودمان غافليم.
شما نگاه كنيد، به مجرد اين‌كه در اين منطقه، براي افكار عمومي، يك سرگرمي درست شد ـ حمله‌ي عراق به كويت و لشكركشي امريكا و ديگران به منطقه‌ي خليج فارس ـ و در اين‌جاها دري به تخته خورد، فورا آن مار هفت سر و خطرناك و سرطان پليد، پنجه‌هاي خودش را باز كرده و با مسلماناني كه خانه‌ي آنها به وسيله‌ي صهيونيستها غصب شده، اين‌طور معامله مي‌كند. چرا دنيا عكس‌العمل نشان نمي‌دهد؟ چرا ملتهاي اسلامي در مقابل اين‌همه فاجعه و جنايت، سكوت مي‌كنند؟ مگر اسرائيل و دشمن صهيونيستي، به كجا متكي است؟ مگر امريكا چه‌قدر قوت و قدرت دارد كه مسؤولان و سياستمداران كشورهاي اسلامي، بايد اين‌قدر مرعوب باشند؟! ملتها بايد سر بلند كنند و بيدار بشوند. مي‌بينند كه امروز محافل به اصطلاح حقوق بشر و خيرخواه و انساندوست ـ به حسب تيتر و عنوان و تابلو ـ هيچ غلطي نكردند و همه‌ي ادعاهايشان دروغ از آب درآمد. اين را نمي‌بينند؟
يك دولت غاصب و غدار و زورگو، يك عده انسانهاي بي‌دفاع و جوانان و نوجوانان و كودكان خردسال را داخل خانه‌هايشان و در خيابانهايي كه متعلق به آنهاست، به خاك و خون مي‌كشد; ولي از دنيا هيچ صدايي در نمي‌آيد. آن‌وقت يك جوان فلسطيني، وقتي كه عكس‌العمل نشان مي‌دهد و دو، سه نفر را به درك واصل مي‌كند، يكي از اين طرف دنيا، يكي از آن طرف دنيا، سربلند مي‌كنند و اظهار تأسف مي‌كنند! چه تأسفي؟! خيلي خوب كرد، دستش درد نكند. آن ملتي كه نتواند از حق خودش دفاع كند، بايد توسري بخورد. آن روز اول، فلسطينيها خواب و غفلت نشان دادند، دشمن اين‌گونه بر آنها مسلط شد. امروز فلسطين بيدار شده است. مسلمانان در فلسطين بيدار شده‌اند.

اين صهيونيستها، جز زبان زور، هيچ‌چيز نمي‌فهمند. چهل سال است كه هرچه سازمان ملل نسبت به مسأله‌ي فلسطين، عليه صهيونيستها قطعنامه صادر كرده است، اينها رد كرده‌اند. اينها لوس شده‌اند! سكوت و اغماض را هم كه از قدرتهاي بزرگ و از ملتها و دولتها ديدند، جري شدند. آنها از قطعنامه نمي‌ترسند. مگر اسرائيل را با قطعنامه مي‌شود عقب نشاند؟ اسرائيل با زور و سلاح و مشت، عقب خواهد نشست.

من بعيد نمي‌دانم كه اگر همين فشار داخلي از طرف جوانان فلسطيني، عليه دولت صهيونيست نبود، اين سردمداران خبيث صهيونيست، از اين جنجال دنيا در خليج فارس استفاده مي‌كردند و تا حالا نصف لبنان را گرفته بودند. اول هم شروع كردند، منتها فشار داخلي ـ همين حمله‌ي دست خالي و مظلومانه‌ي اين جوانان مؤمن و شجاع ـ آنها را سر جايشان نگهداشت. يك روي ديگر قضيه، همين مسأله است; يعني عصبانيت صهيونيستها به خاطر اوج حركت اسلامي در داخل سرزمينهاي اشغالي.

اين، وظيفه‌ي ماست. اين، وظيفه‌ي همه‌ي كشورهاي اسلامي است. مسأله‌ي فلسطين، فقط متعلق به عربها و همسايه‌هاي فلسطين نيست; تمام مسلمين عالم در هرجاي دنيا كه هستند، نسبت به قضيه‌ي فلسطين بايد احساس مسؤوليت كنند. كساني كه در داخل و يا از خارج، واقعا با حكومت غاصب صهيونيستي مي‌جنگند ـ نه مدعيان آزاديخواهي كه دستشان در دست امريكا و دشمنان اسلام است ـ بايد از طرف ملت و دولت ما و ملتها و دولتهاي مسلمان ديگر، با پول و سلاح و تبليغات كمك بشوند. هرطوري كه امروز ممكن است، بايد كمك بشوند. ما چون خودمان با فلسطين همسايه نيستيم، تا مبارزه‌ي رويارويي با اشغالگران بكنيم، و ديگراني كه يا همسايه نيستند، يا به هر دليلي تواناييش را ندارند، بايد مبارزان را تجهيز كنند. اين، يك وظيفه‌ي شرعي و حتمي براي همه‌ي مسلمانان است. تا اين وظيفه انجام نگيرد، مسأله‌ي فلسطين حل نخواهد شد. و اگر انجام بگيرد، قطعا صهيونيستهاو پشتيبانانشان شكست خواهند خورد.

مطلب خيلي مختصري هم راجع به مسايل داخلي عرض بكنم و آن، اين است كه دو جناح از نمايندگان مجلس شوراي اسلامي، در طول اين يكي، دو هفته، دو نامه به من نوشتند كه البته يكي از آن دو رسيد و ديگري را هم ما از رسانه‌ها شنيديم. به‌هرحال، آنها نامه را تنظيم كردند و از ما جواب خواستند. من در وقت خودش ـ حالا نه ـ جواب خواهم داد و در هنگام خودش، راجع به برخي از مسايل لازم، آن وقتي كه احساس كنم بايد براي ملت عزيزمان، مطالب روشنتر و مشروحتر بيان بشود، مطالبي خواهم گفت. حالا فقط يك جمله عرض مي‌كنم و آن، اين است كه مجلس شوراي اسلامي، جايي است كه اميد ملت ما به آن نقطه است. اين مجلس براي ملت سنگر است; اما سنگري در مقابل دشمنان، در مقابل امريكا، در مقابل ضد انقلاب. آن كسي كه مردم او را به اين سنگر مي‌فرستند، مي‌فرستند تا در اين سنگر، از انقلاب دفاع كند.

در اين چند وقت گذشته، بعضي حرفها از بعضي از نمايندگان مجلس شنيده شد كه حرف خوديها نبود; حرف غريبه‌ها بود! ما شبيه آن حرفها را در اين چند ساله، جز از راديوي اسرائيل و راديوي امريكا و راديوي منافق نشنيده بوديم و در مجلس، كسي از اين حرفها نزده بود! نروند بگويند ما در مجلس آزاد نيستيم. خير، نماينده در مجلس آزاد است. كسي نبايد بيايد آزادي را به ماها، يا به اين مسؤولان امروز كشور ياد بدهد كه عمرشان را براي آزادي به مجاهدت گذراندند. آزادي، حق نماينده و حق ملت است; اما آزادي در چه؟ آزادي در اين‌كه عليه ملت و برعكس خواسته‌ي ملت در آن‌جا بايستند و مثل سخنگوي راديو اسرائيل حرف بزنند؟! نه، اين آزادي نيست. در جامعه‌ي اسلامي، اين آزادي براي هيچ‌كس نيست.

انقلاب اين مردم، عزيزتر و قيمتي‌تر از آن است كه اين ملت بخواهند اجازه بدهند كه يك نفر به خاطر يك غرض شخصي، يا يك غرض گروهي و باندي، در سنگري بايستد كه جاي دفاع از انقلاب است، و عليه انقلاب و عليه مردم و به زيان نظام جمهوري اسلامي، همه چيز را زير سؤال ببرد و براي راديوها خوراك درست كند و بلكه حرفي بزند كه راديوهاي ديگر، حول‌وحوش آن حرف، هيچ تفسيري لازم نداشته باشند! اين ملت، قطعا چنين چيزي را اجازه نخواهد داد.

من به هر دو جناح ـ حالا خودشان دو جناح مي‌گويند، من كه بين نمايندگان مؤمن و مخلص و انقلابي، خيلي

دوئيتي نمي‌بينم ـ عرض مي‌كنم، طوري عمل كنيد كه يك وقت نشود نگاه كنيد ببينيد، شما از يك راه مي‌رويد و ملت از راه ديگري براي خودش مي‌رود و موكلينتان پشت سر شما نيستند. اگر مجلس شوراي اسلامي، جايي براي اين شد كه بعضيها با هم تسويه حساب كنند، يواش‌يواش همين‌طور خواهد شد. حق نمايندگان علاقه‌مند به وظيفه و كارشان هم، ضايع خواهد شد.

البته امروز اكثر كساني كه در اين مجلس محترم مشغول خدمت هستند، قطعا احساس وظيفه مي‌كنند; در اين شكي نيست. نمايندگان ما، در بين نمايندگان مجالس ملي دنيا نمونه‌اند. بدانيد هيچ جا، نه در كشورهاي غربي و نه در كشورهاي شرقي ـ كه همه‌اش ديگر حالا مثل هم است ـ نه در كشورهاي اسلامي و نه غير اسلامي، نمايندگان مجلسها، به صفا و پاكي و مردمي بودن و مسؤوليت‌شناسي و خلوص نمايندگان ما در اين مجلس عظيم‌الشأن شوراي اسلامي نيستند. هيچ‌كس مثل اينها نيست. اينها خيلي خوب هستند، منتها بايد خودشان اين را پيش از ديگران حفظ كنند. نكند چهار نفر آدم جاهل، عصباني و بي‌توجه به مسؤوليت، حركتي بكنند و مجموعه‌ي پاك و مطهري را زير سؤال ببرند.

البته مردم بايد احترام مجلس شوراي اسلامي را حفظ كنند. اين تذكر من، تذكري است كه وظيفه دارم آن را بگويم. اين، موجب نشود كه حالا خداي نكرده از طرف كسي، نسبت به مجلس شوراي اسلامي بي‌احترامي‌يي رخ بدهد. مجلس، والاترين و رفيعترين بخش از مجموعه‌ي قانوني اين نظام است و جايگاه ملت مي‌باشد. بايد مجلس را با همين احترام و عظمت حفظ كنند و هيچ‌كس، نه در داخل مجلس و نه خارج از آن، كاري كه موجب تضعيف مجلس بشود، نبايد انجام بدهد.

خداوند ان‌شاءالله همه‌ي شماها را توفيق بدهد و همه‌ي ما را به آنچه كه مرضات او در آن است، هدايت كند.

والسلام عليكم و رحمه‌الله و بركاته